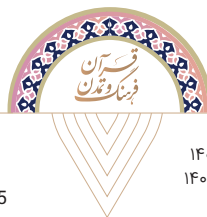


تحلیلی بر گونه‌شناسی آیات و روایات مرتبط با عصر جاهلیت



محمد حسین عسکری*
محمد امینی**

مقاله پژوهشی
10.22034/JKSL.2022.344784.1105

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

چکیده

رفتارها و کنش‌های جاهلی اعراب قبل از اسلام، از ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی برخوردار بوده است. این خصوصیات، به طور کلی شکل‌گیری یک فرهنگ غالب را در زندگی اعراب جاهلی نشان می‌دهد. با دقت در این کنش‌ها می‌توان به یک پیوستگی در رفتارهای مردم در کلیه‌ی عصور قبل از ارسال رسل و تشریح شریعت‌ها پی برد که شاید همین تحریف‌ها و بدعت‌ها به تأسیس ادیان در زمان‌های مختلف مانند بت‌پرستی، ترویج خرافات و میل به عبادات و پرستش‌های خارج از مجرای فطری ختم شده باشد. در قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، می‌توان به وجود این خصوصیات در بین اعراب پی برد و قرآن از آن تحت عنوان کلی تعصب‌های جاهلیت نام برده است. با بررسی و کنارهم قرار دادن تمام این موارد، و گونه‌شناسی روایات مربوط به آن، می‌توان به انحرافات فطری بشری که زمینه‌ی تأسیس شرایع الهی را ایجاد می‌کند پی برد. پرسش اصلی در این پژوهش آن است، آیا می‌توان علت تشریح شریعت‌ها و تأسیس ادیان الهی را جاهلیت در همه‌ی ادوار تاریخی دانست؟ تا کنون به مسئله جاهلیت بدین نحو پرداخته نشده است. روش تحقیق این مقاله به صورت تحلیلی بوده و روایات تفسیری مرتبط با آیات جاهلیت به صورت طبقه‌بندی شده مورد دقت قرار گرفته‌اند و در گونه‌های مختلف بطون، قاعده‌ی جری و تطبیق، تفسیر واژگانی و عناوین دیگر، طبقه‌بندی شده‌اند. از مهم‌ترین نتایج این تحقیق می‌توان به وجود سه صفت استکبار، تعصب و پرستش‌های باطل به طور مشترک در همه امت‌های سابق اشاره نمود که این صفات مانع قبول ولایت الهی بوده و روح جاهلیت را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: جاهلیت، شریعت، قرآن، تمدن، فرهنگ.

* مدرس جامعه المصطفی العالمیه
mh1367askari@gmail.com

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه قم
amini63@chmail.ir

مقدمه

جاهلیت و فرهنگ آن در لسان دینی ما، چه در قرآن که کتاب آسمانی است و چه در روایاتی که از ناحیه‌ی ائمه دینی ما برای تکمیل هدایت دین، تشریح و بیان شده است؛ از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از راه‌های تبیین خصوصیات که در جاهلیت بوده، صفات و ویژگی‌های مطرح شده در اشعار و ادبیات جاهلی است. شعر جاهلی یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت بهتر این دوره است. در این اشعار، صفاتی موج می‌زند که نشان از فرهنگ غالب مردمان در این دوره دارد. صفاتی مانند تعصب و عصبیت، فخر فروشی، استهجان و بیماری‌های جنسی، جنگ و انتقام‌جویی از این دست صفات و خصوصیات است که در این اشعار به چشم می‌خورد. برای دریافت بهتر این موضوع می‌توان به اشعار «معلقات سبع» که از هفت تن از بزرگترین شاعران جاهلی و مربوط به قبل از اسلام می‌باشد مراجعه نمود. آن اشعار را بر روی پارچه‌ای با آب زر نوشته و بر دیوار کعبه می‌آویختند. در مورد تعداد شاعران معلقه، نظرها مختلف است. بهترین نظر آن است که تعداد آنان هفت نفر می‌باشد: «امروء القیس، طرفة بن العبد، زُهیر بن اَبی سلمی، ولید بن ربیع، عمرو بن کَلثوم، عنتره بن شداد العبسی و الحارث بن جَلْزة». برخی با اضافه کردن «النابعة الأبیانی» آنان را هشت نفر دانسته و برخی با اضافه کردن «الاعشى الاکبر و عبید بن الابرص» آنان را تا ده نفر شمرده‌اند. همچنین «لامیه العرب» که همگی از معاریف شاعران عرب در عصر جاهلی و قبل از بعثت پیامبر اسلام؟؟ است. ساختار کلی اشعار عرب را می‌توان در مسایل جنسی، انتقام‌جویی‌های قبیله‌ای، فرهنگ تبرج و خودنمایی و توصیف حیواناتی مانند شتران سرخ مو و اسبان تند رو خلاصه نمود.

برای آشنا شدن بهتر با فرهنگ‌های اجتماعی غالب در این زمان، می‌توان به این اشعار امروء القیس در معلقات اشاره نمود که در مورد شهوت‌ها و امیال جنسی خود سروده است:

إِذَا قَامَتَا تَصَوَّغَ الْمِسْكَ مِنْهُمَا نَسِيمَ الصَّبَا جَاءَتْ بِرَبِّهَا الْقَرْنُفُلُ

وقتی آن دو زن بر می‌خاستند بوی مشک از آنان پراکنده می‌شد، مثل اینکه باد آهسته‌ی صبا، بوی خوش قرنفل را آورده و پراکنده کرده است. (روزنی، ۱۴۰۵: ۴۳)

یا به اشعار لبید بن ربیع که از شعرای قصاید معلقات است و می‌ و می‌گساری را چنین توصیف می‌نماید:

بصُوحِ صَافِيَةٍ وَجَذْبِ كَرِينَةٍ بَمَوْئِرٍ تَأْتَالُهُ إِبْهَامُهَا



با نوشیدن و سر کشیدن شراب خالص صبحگاهی و نواختن کنیزک عود نواز، که با انگشت خود آن را می‌نوازد، تمتّع گرفته و لذّت برده ام.

با توجه به اشعار، ابیات و ادبیات حاکم بر جاهلیت، می‌توان به سبک زندگی و فرهنگ عصر جاهلیت پی برده و بر آن واقف شد. (بغدادی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۰۱)

در قرآن کریم، لفظ جاهلیت چهار مرتبه در سور مدنی قرآن کریم، «سوره‌های آل عمران، مائده، احزاب و فتح» تکرار شده است. در این موارد با توجه به مضاف الیه این الفاظ، اشارات قرآن متفاوت می‌گردد و بررسی شأن نزول آیات و شرایط بیان آیات نیز برای فهم دقیق‌تر و دریافت بهتر از این آیات می‌تواند اثرگذار باشد. رفتارها و فرهنگی که در این زمان یعنی قبل از نزول دین اسلام وجود داشته، می‌تواند مورد بررسی تحلیلی و اجتماعی قرار گرفته و سرنخ‌ها و نکات دقیقی در این زمینه پیرامون علل و ریشه‌های گرایش جاهلی را می‌توان به واسطه‌ی آن‌ها فهمید و به آن علم پیدا کرد. در این مقاله ابتدا جاهلیت از دیدگاه علمای علم لغت و در اصطلاح دینی بررسی شده و سپس به شناخت آن از دیدگاه آیات و روایات پرداخته شده است و در پایان جاهلیت از دیدگاه روایات تفسیری مورد بررسی قرار گرفته است.

شیوه و پیشینه‌ی پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی خواهد بود. تا کنون در این موضوع بیش از ۹۰ مقاله و چندین جلد کتاب نوشته شده است. بعضی از این مقالات مانند مقاله «از جاهلیت مکه تا مدنیت مدینه» نوشته‌ی ابوالفضل خوش منش، به صورت کلی به مقوله‌ی جاهلیت و عصر مربوط به آن یعنی قبل از بعثت پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی؟؟؟ پرداخته‌اند. بعضی دیگر از این مقالات به این موضوع به صورت تخصصی‌تر و با رویکرد فرهنگی نسبت به این عصر نگاه شده‌اند که می‌توان در این مورد به مقالاتی همچون «راهبردهای حل بحران‌های فرهنگی اجتماعی جاهلیت از منظر قرآن و حدیث» نوشته‌ی محمد تقی دیاری بیدگلی اشاره نمود. در بعضی دیگر از این مقالات نیز به موضوعات تخصصی‌تری از قبیل زن در عصر جاهلیت یا پرچمداری در عصر جاهلیت یا احکام خاص در عصر جاهلیت مانند طلاق‌های مرسوم در عصر جاهلیت پرداخته شده است. ولی تا کنون به جاهلیت از دیدگاه جامعه‌شناسانه و روانشناختی در آیات و روایات به عنوان یک منشأ برای تشریح شریعت از جانب شارع مقدس و به

عنوان ایجاد کننده‌ی بدعت در فطرت و سرشت انسانی نگریسته نشده است. با این نگاه می‌توان به این نتیجه دست پیدا نمود که در عصر جاهلی و زمانه‌ی قبل از بعثت پیامبر اسلام، خصوصیات و وجود دارد که در زمانه‌های قبل از شریعت‌های سابق نیز این خصوصیات وجود داشته و اصل تشریح هر شریعتی برای از بین بردن همین بدعت‌ها بوده است. امروزه نیز جاهلیت مدرن، دارای همین فقرات و ویژگی‌هاست که با ظهور آخرین منجی بشریت و تجدید شریعت نبوی، انشاءالله در آمد و زمان مشخص شده این جاهلیت نیز به زوال و نابودی می‌رسد. در رابطه با جاهلیت در بین اعراب و خصوصیات آن، تا کنون فعالیت‌های پژوهشی متعددی شده است. در بیشتر این پژوهش‌ها، به مطالب جزئی و کلی مرتبط با جاهلیت پرداخته شده ولی تا کنون تحقیق جامع و کاملی در رابطه با وضعیت اجتماعی و فرهنگ غالب عصر جاهلیت و تحلیل این وضعیت از دیدگاه روایات تفسیری به صورت گونه‌شناسانه و احتمال بروز این معیارها در جوامع دیگر که نتیجه‌ی آن پا گذاشتن در مسیر غلط اعراب جاهلی خواهد بود، صورت نپذیرفته است. آنچه در این پژوهش پی گرفته می‌شود، ملاک‌ها و معیارهای فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند بروز دهنده‌ی رفتارهای جاهلی در هر عصر و زمانه‌ای باشد. بنابر نتایج به دست آمده در این تحقیق، جاهلیت یک تفکر غالب رایج در هر زمانه بوده و برای از بین بردن این تفکر، ادیان الهی شکل گرفته‌اند.

مفهوم شناسی

جاهلیت: خلیل بن احمد فراهیدی، جهل را در مقابل علم قرار داده و جاهل را به معنای کسی که کاری را بدون علم انجام دهد می‌داند (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج: ۱، ۳۲۷). شاید بتوان گفت: بیشتر لغویین، جهل را در مقابل علم قرار داده و انجام اعمال بدون علم را جاهلان عمل کردن دانسته‌اند. ولی در اصطلاح دینی، اگر به این مقوله نگاه شود باید گفت: جهل در لسان روایات و آیات، متضاد علم نمی‌باشد، بلکه در مقابل عقل قرار دارد. چنانچه کلینی نیز در کافی به همین روش عمل نموده و بابتی را تحت عنوان «کتاب العقل و الجهل» در این دایرة المعارف حدیثی شیعه گشوده است. همچنین با توجه به نمونه‌هایی از آیات و روایات، به این نگاه کلی می‌توان دست پیدا کرد. برای نمونه به این روایت پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی ؟؟ می‌توان تمسک نمود:

«قال رسول الله؟؟: «یا علی، لا فقر اشد من الجهل و لا مال اعود من العقل»؛ ای



علی، فقری سخت‌تر از نادانی و سرمایه‌ای بهره‌ده‌تر از خرد نیست (کلینی، ۱۴۱۱، ج: ۶۹). همانگونه که مشاهده می‌شود، شارع مقدس در این روایت، جهل را در مقابل علم قرار داده و ثمره‌ی آن را فقری که می‌تواند مادی یا معنوی باشد بیان نموده است. در روایات، جهل در مقابل عقل، حلم یا علم قرار گرفته است. بنابر این جهل، عملی است که انسان را از علم، عقل و حلم دور می‌کند. در آیات قرآن، بندگان که اعمالشان خالی از این خصوصیات باشد را به صفت جهل توصیف نموده اند: «وَ جَاوَزْنَا بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَضْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۱۳۸) و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم. تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت‌های خویش همت می‌گماشتند. گفتند: «ای موسی، همان‌گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده. گفت: «راستی شما نادانی می‌کنید.» اصحاب موسی در عبور از کنار بت‌پرستان، از او درخواست الهه‌هایی از جنس بتان یا الهه‌های مختلف نمودند. در ازای این درخواست، قرآن کریم ایشان را جاهل شمرده است. پرستش خدایان پوشالی، عملی دور از عقل و تعقل می‌باشد. با توجه به این نمونه‌ی قرآنی، می‌توان به حقیقت معنای جهل در قرآن کریم پی برد. قرآن کریم در توصیف قوم لوط به این نکته مهم اشاره می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل: ۵۵) آیا شما به جای زنان، از روی شهوت با مردها در می‌آمیزید؟ [نه!] بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید.

قوم لوط که مبتلا به یک عمل خلاف عقل و فطرت بشری بودند، از جانب قرآن کریم با صفت جهل توصیف شده و علت این تمایلات در وجود ایشان، جهل برشمرده شده است. بنابر این، اعمال جاهلانه به تعبیر قرآن کریم اعمالی خلاف عقل و فطرت آگاهانه‌ی انسان‌ها می‌باشد. جاهلیت در بیان عمر فروخ عبارت است از: عصری که عرب در این عصر اهل جاهلیت بوده و دارای خصوصیت‌هایی چون بت‌پرستی، نزاع، شرب خمر و قمار بوده است. بنابر این، جاهلیت بدین معنا در مقابل حلم قرار می‌گیرد. عرب در این زمان از علوم مختلفی نظیر فلکیات، نجوم و طب برخوردار است. از نظر ادب نیز در اعلی مرتبه‌ی ادب عربی به سر می‌برد (فروخ، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۷۳). جاهلیت مورد نظر در این مقاله نیز به آنچه در بیان فروخ آمده نزدیک است. ولی در ضمن این تحقیق، به نکات و شاخص‌های دیگری در رابطه با جاهلیت اشاره خواهد شد.

تفسیر جامع روایی: تفسیر روایی، تفسیر مأثور یا تفسیر نقلی، بنابر نظر شیعیان،

گونه‌ای از تفسیر قرآن، مبتنی بر روایات نقل‌شده از پیامبر اسلام ؟؟ و امامان شیعه است. اهل سنت، کلام صحابه و تابعین را نیز مبنای استفاده در تفسیر روایی دانسته‌اند (ایازی، ۱۴۱۴:۳۶؛ ذهبی، ج ۱: ۱۵۲).

ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت در قبل از اسلام

در اصطلاحات دینی ما، به بازه‌ی زمانی قبل از ظهور اسلام و بعثت جهانی خاتم المرسلین حضرت محمد ؟؟، عصر جاهلیت گفته شده است. در این زمان، فرهنگ‌هایی رواج پیدا نموده، که این فرهنگ‌ها و خصوصیات، سبب بروز رفتارهایی از جانب مردمی که در این عصر زندگی می‌کنند شده است. شناخت این ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری که فرهنگ غالب مردم در این زمان شده است، می‌تواند ما را در تحلیل روانشناختی و رفتاری جامعه‌ی قبل از بعثت، یاری رساند. بروز این رفتارها و شناسایی منشأ بروز این رفتارها، برای جلوگیری نمودن از افتادن انسان‌ها در این قهقری، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان سبک زندگی و فرهنگ رفتاری جامعه‌ی جاهلیت را به دو شاخه مهم تقسیم نمود:

۱/ تعامل مردم با یکدیگر. ۲/ تعامل مردم با خالق عالم.

در قسمت اول که تعامل و عملکرد مردم با یکدیگر می‌باشد، به این ویژگی‌های رفتاری غالب در این عصر می‌توان اشاره نمود: خشونت، استبداد، خودپرستی، سفاهت و حماقت. اسلام پژوهانی همچون گلدزیهر و ایزوتسو نیز جهل را در برابر حلم، و عصر جاهلیت را دوران سرکشی دانسته‌اند که شامل خشونت، استبداد، خودپرستی، حماقت، سفاهت و نظایر آن‌هاست (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۳۴).

عرب آن روز جزیره العرب، مردمی درس نخوانده و بدون علم و دانش بودند، اما اگر در فرهنگ اسلامی به مردم آن روزگار «جاهل» گفته می‌شود، به دلیل بینش غلط و دور از عقل و منطق آن‌ها و پیروی از آداب و رسوم خرافی و صفات زشتی مانند خودپسندی، فخرفروشی، کینه توزی و ... است، که در فارسی عوامانه، کلمه‌ی «نفهمی» به آن اطلاق می‌گردد (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۶).

در قسمت دوم که تعامل با پروردگار است با کنار گذاشتن معبود واقعی و روی آوردن به معبودهای پوچ و دروغین رو به رو هستیم. عرب در این دوره، تمایل شدیدی به پرستش اجسام از خود نشان می‌دهد که از آن به بت‌پرستی تعبیر می‌شود. در مورد روابط با



مردم، البته گاهی اوقات نیز خُلق و روابط حسنه‌ای مانند خدمت به خُلق در ایشان مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در این شعر از «تابط شرا» که از شعرای صالحیک بوده و اشعار او جزو اشعار معلقات است، شاهد بروز بعضی خُلق حسنه هستیم:

وَوَزْبَةَ أَقْوَامٍ جَعَلْتُ عِصَامَهَا عَلَى كَاهِلِ مَنِي ذَلُولٍ مُرَحَّلٍ

یعنی چه بسا مشک آب مردم را بر دوش رام شده و پالان شده خود نهاده‌ام (مدرسی، ۱۳۷۸: ۲۳). در این شعر شاعر به خدمات خود به مردم اشاره می‌کند. این نکته نشان دهنده‌ی بعضی خُلق انسانی و رواج آن در بین اعراب جاهلی است.

جاهلیت در آیات

در آیات قرآن کریم به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری در عصر جاهلیت اشاره شده است. چهار بار در قرآن کریم تعبیر جاهلیت به کار برده شده است:

آیه اول

«ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۵۴).

سپس [خداوند] بعد از آن اندوه، آرامشی [به صورت] خواب سبکی، بر شما فرو فرستاد، که گروهی از شما را فرا گرفت، و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند؛ و درباره خدا، گمان‌های ناروا، همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت می‌بردند. می‌گفتند: «آیا ما را در این کار اختیاری هست؟» بگو: «سررشته کارها [شکست یا پیروزی]، یکسر به دست خداست.» آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند، که برای تو آشکار نمی‌کردند. می‌گفتند: «اگر ما را در این کار اختیاری بود، [و وعده پیامبر واقعیت داشت،] در اینجا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر شما در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند. و [اینها] برای این است که خداوند، آنچه را در دل‌های شماست، [در عمل] بیازماید؛ و آنچه را در قلب‌های شماست، پاک گرداند؛ و خدا به راز سینه‌ها آگاه است. در این آیه کریمه اشاره به ظن جاهلی یا گمان‌های باطلی دارد که انسان‌ها نسبت به خالق عوالم وجود یعنی

خدای بزرگ دارند. ظنونی که می‌تواند زمینه ساز رفتارهای شرک‌آمیز باشد.

گونه شناسی روایات تفسیری

تفسیر روایی، گونه‌های مختلفی اعم از تفسیر واژگانی، تمثیلی، ادبی، قرآن به قرآن، بطنی و تطبیقی (جری و تطبیق) را دارا می‌باشد. این تقسیم‌بندی، براساس روایات تفسیری پیرامون قرآن می‌باشد. در ادامه‌ی این پژوهش به گونه‌شناسی روایات تفسیری مربوط به جاهلیت پرداخته خواهد شد.

الف: گونه تفسیر روایی مبتنی بر بطن القرآن

فترات الکوفی که از تفاسیر قدیمی شیعه است در تفسیر این آیه شریفه چنین آورده: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي يَوْمٍ أُحُدٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يُغْشِي طَائِفَةً مِّنْكُمْ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ غَشِيَةِ النَّعَاسِ يَوْمَ أُحُدٍ (کوفی، ۱۴۱۰: ۹۸).

با توجه به این روایت، شان نزول این آیه در رابطه با جنگ احد بوده و فراز ابتدایی آیه یعنی کسانی که در جنگ از آرامشی الهی برخوردار بوده‌اند، به امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب؟؟ تفسیر شده و در مقابل کسانی هستند که در این جنگ به رفتارهای جاهلیت، اراده‌ی رجوع پیدا نموده‌اند و دوباره از خدا پرستی منقطع گشته و به شرک روی آورده‌اند. ابن شهر آشوب نیز در مناقب به همین مطلب اشاره کرده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يُغْشِي طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ ؟؟ غَشِيَةِ النَّعَاسِ يَوْمَ أُحُدٍ وَ الْخَوْفِ مُسْهِرٍ وَ الْأَمْنِ مُنِيمٍ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۲۲). سید بن طاووس در رابطه با ظن جاهلیت موجود در این آیه به نکته‌ی جالبی اشاره فرموده و آن هم توکل و تفویض امور به خدا، که نقطه مقابل شرک است می‌باشد (ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۱۲۷). ولی به تعبیر بیاضی در الصراط المستقیم، این آیه اثبات‌کننده‌ی ولایت و امامت می‌باشد (بیاضی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۴). با توجه به تفسیری که وارد شده است، باید این روایت تفسیری را از باب روایات بطنی که به باطن قرآن نظر دارند دانست. چرا که روایات بطنی عبارتند از روایاتی که از ظاهر قرآن عبور کرده و به یک مرحله بعد از ظاهر نظر دارند، که از آن به بطن قرآن یاد می‌شود. ظهور این آیات در جاهلیت اعراب است ولی این روایات ریشه‌ی جاهلیت را به توصیف نشسته و تبیین می‌نمایند که به تعبیر این روایات، کنار گذاشتن امام و ولایت و دور شدن



از مسیر امامت شمرده شده است. بنابر این، دسته اول از روایات مفسر آیات جاهلیت در قرآن کریم، روایات بطنی هستند. در اشعار جاهلی، دوری از یاد خدا و ظن جاهلی به حضرت حق، که در این آیه به «ظن السوء» تعبیر شده است، موج می‌زند. به عنوان مثال می‌توان به این شعر از «اعشی الکبر» در معلقات مثال زد که می‌گوید:

فَقَدْ أَخَالَسُ رَبَّ الْبَيْتِ غَفْلَتُهُ وَقَدْ يَحَاذِرُ مِنِّي ثَمَّ مَا يَثُلُ

برای غفلت صاحب خانه کمین می‌کردم و فرصت می‌جستم و گاهی از من دوری می‌کرد ولی نجات نمی‌یافت. به لهُو و لعب می‌پرداختم و اعمال جوانان را انجام می‌دادم و جوانان باریک اندام غزل دوست، رفقای من و از من تبعیت می‌کردند. بامدادان به شراب فروشی رفته‌ام و غلامی همراه من بوده که برای من گوشت بریان می‌کرد. من در لهُو و شرابخواری با جوانانی بودم که ... (مدرسی، ۱۳۷۸: ۲۵۵ تا ۲۷۷). این اشعار عمق لهُو دوستی و مشغولیت‌های فکری عرب جاهلیت را نشان می‌دهد. ایشان می‌خواهند در زمانی که مشغول لهُو و لعب هستند، جان به جان آفرین تقدیم کنند. بنابر این، بینش و دیدگاه عرب جاهلی به زندگی، بر اساس هوسرانی‌ها و رقم زدن برنامه‌ی زندگی بر این اساس بوده است. آنچه برای او در این مقطع اهمیت دارد شخص و خود است. آنچه او را در مسیر رسیدن به هوسرانی‌ها یاری می‌کند، برای او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و برای رسیدن به آن حاضر است هرچه دارد فدا کرده و دیگران و حتی نزدیک‌ترین افراد به خود را در مضیقه و سختی قرار دهد و برایشان مشکلاتی را نیز ایجاد کند.

ب: گونه تفسیر روایی مبتنی بر بیان مصادیق

در تفسیر قمی، درباره تفسیر این آیه شریفه، تمییز بین مؤمنین و منافقین را مورد اشاره قرار داده است (قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۱۲۱). با توجه به مطالبی که در بیان قمی آمده می‌توان استنباط نمود؛ ظن جاهلیت از مصادیق نفاق و رفتار منافقانه بوده که به خوبی علی بن ابراهیم قمی به این مطلب اشاره فرموده‌اند. این روایات در دسته‌ی روایاتی هستند که برای تفسیر آیات قرآن کریم به مصادیق آن توجه دارند. تعیین و تبیین مصادیق برای روشن شدن موضوعات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این روایات از این نکته استفاده نموده و مصادیق جاهلیت را که عبارت از نفاق و تکذیب حق است بیان می‌فرمایند.

آیه دوم

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (مائده: ۵۰).

آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟

این آیه همان آیه‌ای است که فاطمه زهرا (س) در خطبه فدکیه به آن اشاره فرمودند. در کتاب شریف «بلاغات النساء» ابن مطلب متذکر شده است: «أنتم الآن تزعمون أن لا إرث لنا أ فحكم الجاهلیة تبغون و من أحسن من الله حکماً لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ و بها معشر المهاجرین أ أبتز إرث أبی أ فی الکتاب أن ترث أباک و لا أرث أبی لقد جئت شیئاً قریباً» (طیفور، ۱۳۷۸ش: ۲۶)، شما الان به گمان باطل خود تصور می‌کنید که ما ارثی نداریم. آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو (غاصب اول) از پدر خود ارث ببری و من نبرم؟ وای بر شما مهاجرین. مرحوم کلینی در تفسیر این آیه شریفه به این روایت تمسک فرموده‌اند: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْحُكْمُ حُكْمَانِ حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ وَ أَشْهَدُوا عَلَيَّ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ لَقَدْ حَكَمَ فِي الْفَرَائِضِ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۷: ۴۰۷)؛ حکم به تعبیر امام صادق ؟؟ طبق این روایت به دو قسم تقسیم می‌شود: حکم خدا و حکم جاهلیت. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت مشی بر طریق باطل و در مسیر باطل حرکت کردن از شاخصه‌های مهم فرهنگ جاهلیت است. جاهلیت در مسیر از بین بردن ولایت قدم بر می‌دارد و نمی‌تواند ولایت و حقیقت را بر تابد. این روایت برای تفسیر این آیه به کار رفته و بطن حکم جاهلیت که تصمیم‌گیری‌های خلاف حق و حقیقت است را بیان فرموده است. پس این دسته از روایات مفسر را نیز می‌توان در گونه‌ی بطون که بیان کننده‌ی بطن آیات شریف می‌باشند دانست. چرا که این روایات نیز در رابطه با حقیقت آیات بحث می‌کنند نه ظواهر آیات شریف.

در اشعار جاهلی به احکام جاهلیت اشاراتی وجود دارد. احکامی که ناشی از فرهنگ و رسوم جاهلیت است. به عنوان مثال می‌توان به این بیت از معلقه «طرفه بن العبد» اشاره نمود که سراسر زندگانی و حیات خود را خلاصه در این اعمال توصیف می‌کند:

وَمَا زَالَ تَشْرَابِي الخُمُورَ وَ لَدَّتِي وَ تَبِيعِي وَ إِنْفَاقِي طَرِيفِي وَ مَتَلَدِي

یعنی همیشه کار من باده نوشی و لذت بردن و فروش و خرج کردن مال مکتسب و موروثی‌ام می‌باشد (مدرسی، ۱۳۷۸: ۶۲). زندگی و حیات جاهلی غرق شدن در لذات و تمتعات شهوانی و بیهوده گذراندن حیاتی است که می‌تواند انسان را به کمال ابدیش برساند.

آیه سوم

«وَقُرْآنَ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

از دیگر آیات قرآن کریم که لفظ جاهلیت در آن به کار رفته است، آیه ۳۳ از سوره مبارکه احزاب می‌باشد. در تفسیر این آیه شریفه و شأن نزول آن در کتاب «سلیم بن قیس» اشاره به مجلس مناشده (مجلسی که در آن خطبه فدکیه توسط حضرت زهرا ؟؟ ایراد گردید) و اعتراف اصحاب به ولایت و بیان آن از زبان پیامبر ؟؟ شده است (الهلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۴۶). این آیه با این‌که در بین آیات مخصوص به زنان پیامبر ؟؟ آمده، ولی به قرینه ضمیر «کم»، بایستی این فراز را در شأن و منقبت اهل بیت ؟؟ بدانیم. که این روایات گواه روشنی بر این ادعا می‌باشند. کنار زدن ولایت، رجوع به قهقرای جاهلیت خواهد بود. بنابراین، روایت مورد نظر، بطن این آیه شریفه را بازگو نموده است و از قسم بطون در گونه‌شناسی تفاسیر روایی پیروی می‌کند. چرا که این روایات نیز در بیان تأویل و حقیقت جاهلیت در آیات می‌باشند و این نکته را تبیین نموده و می‌شکافند. تذکر این نکته لازم است که آنچه در شأن نزول این آیه شریفه از جانب مفسرین در رابطه با زنان پیامبر ؟؟ در واقعه‌ی افک و افشای اسرار پیامبر ؟؟ نقل شده نیز ریشه در همین فرهنگ جاهلی دارد (الهلالی، ۱۴۰۵: ۲۹۵)، که با وجود گذشت چندین سال از بعثت پیامبر ؟؟ هنوز در منش و رفتار اعراب به چشم می‌خورد. اخلاق و رفتاری که ناشی از فرهنگ تهمت زدن، خودکامگی و تبرج جاهلیت است. فرهنگ تفاخر و تکاثر که از جانب قرآن، فرهنگ مطرود و منفوری بیان شده است.

در اشعار جاهلی از این دست تفاخرهای عبث و بیهوده زیاد به چشم می‌خورد:

ولكن نفي عن الاعادي جرئتي عليهم و اقدمي و صدقي و محتدي

شجاعت من در مقابل دشمنان و اقدام و راستی و اصالت نسب من، دشمنان را از من دور ساخته است (مدرسی، ۱۳۷۸: ۷۸). عرب جاهلی به نسب، سبب، مال، ریاست و... تفاخر نموده و به آن غرّه است.

آیه چهارم

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ
وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلِهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»
(فتح: ۲۶).

آن‌گاه که کافران در دل‌های خود، تعصب، آن هم تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت، و آنان به رعایت آن آرمان سزاوارتر و شایسته اتصاف به آن بودند، و خدا همواره بر هر چیزی داناست .

کلینی در تفسیر این آیه‌ی شریفه، مراد از عصیبت و تعصب مذموم که در این باب مفاسدش ذکر می‌شود را حمایت و طرفداری از فامیل، دوست و رفیق در راه ستم یا عقیده‌ی باطل، و همچنین طرفداری کردن از مذاهب باطل پدران و دفاع از جهل و گمراهی و پایداری بر عقیده‌ای که انسان داشته و فهمیده باطلست معنا نموده (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۴۱۹). بنابراین می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد: جاهلیت در این آیات، خروج از حیطه‌ی ولایت و مقابله با آن برداشت می‌شود. چرا که در احادیث مفسر این آیات، از این مهم سخن به میان آمده است. رجوع به تعصبات و درگیر شدن نسبت به آن، انسان را به سمت ترک و منزوی قرار دادن ولایت می‌کشاند. برای پذیرش ولایت لازم است آدمی بتواند تعلقات و تعصبات موجود را کنار گذاشته و در طریق ولایت از تبعیت تام و کامل بهره برد.

گونه شناسی روایات مربوط به آیات جاهلیت

احادیثی که از جانب معصومین ؟؟ درباره جاهلیت صادر شده است را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

روایات دسته اول

احادیثی که به جاهلیت و فرهنگ آن قبل از اسلام اشاره کرده است:

گونه‌شناسی: این روایات را می‌توان از نظر تفسیر روایی جزو گونه‌ی تفسیر واژگانی قرار داد. تفسیر واژگانی برای بیان واژه‌های مبهم و معانی لغات و واژگان به کار برده می‌شود (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۱۵).

در این مورد می‌توان به خطبه‌های ۲، ۲۶ و ۹۵ از نهج البلاغه اشاره نمود:



«إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا ؟؟ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ أَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَاةِ حُشْنٍ وَ حَيَاتٍ ضَمَّ تَشْرَبُونَ الْكَدِرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجِشْبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامَ فِيكُمْ مَنْصُوبَةً وَ الْأَتَامَ بِكُمْ مَعْصُوبَةً»
(شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۲۶: ۸۵)

امیرالمؤمنین ؟؟ در این روایت اشاره به بعضی اخلاق و رسوم پست جاهلی کرده و می‌فرماید: خدا محمد ؟؟ را به عنوان انذار دهنده برای جهانیان و امانت‌دار برای قرآن مبعوث نمود و شما در بدترین دین و بدترین خانه‌ها قرار داشتید. بین سنگ‌های سخت و محکم، حیات می‌گذرانید و از آب‌های کثیف می‌نوشیدید و خون می‌ریختید و قطع رحم کرده بودید و بت می‌پرستیدید. از معروفترین این خطبه‌ها نیز می‌توان به خطبه شقشقیه که بعد از غصب خلافت بوده یا خطبه فدکیه حضرت زهرا ؟؟ اشاره نمود.

روایات دسته دوم

احادیثی که اشاره به یادآوری‌های ایشان نسبت به عهد جاهلیت داشته و بعضی از افتخاراتشان در آن عهد را در زمان پیامبر ؟؟ به زبان می‌آورده‌اند:
گونه‌شناسی: این روایت طبق قاعده‌ی جری و تطبیق عمل کرده و آیاتی که در آن محتوای جاهلیت وجود دارد را به واسطه‌ی مثال بیان خواهد نمود. در روش جری و تطبیق به بیان مثال‌ها و مصادیق موجود پرداخته می‌شود.

کلینی در کافی چنین نقل می‌کند:

« عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ؟؟ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ؟؟ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا فَقِيلَ عَلَامَةٌ فَقَالَ وَ مَا الْعَلَامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَغْلَمَ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ آبَائِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ؟؟ ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عَلِمَهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ؟؟ إِئِمَّا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ قَرِيضَةٌ غَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج: ۱، ۳۲ و ابن عبد ربّه، ۱۴۰۷، ج: ۵، ۱۱۳)

پیامبر ؟؟ در مسجدی داخل شدند در این مسجد مردم در اطراف مردی حلقه زده بودند. پیامبر ؟؟ سوال فرمودند: این مرد کیست؟ گفتند: این مرد علامه است. ایشان پرسیدند: چرا به او علامه می‌گویید؟ جواب دادند: چون او به انساب عرب و اشعار جاهلی و تاریخ آن آگاه است. پیامبر ؟؟ فرمودند: این علمی است که ندانستن آن به انسان ضرری نمی‌زند. سپس فرمودند: علم سه چیز است: آیه محکم یا واجب متوازن و یا روش و

سنت استوار در غیر این سه مورد فضل و اضافه‌ای است که فرد بر دیگران دارد. بنابر این در این روایت ایشان تاریخ جاهلی و آداب و رسومی که آن‌ها داشته‌اند را محترمانه نقد فرموده و دانستن آن‌ها را علم نمی‌دانند.

روایات دسته سوم

احادیثی که مردم را از داشتن تعصبات جاهلی و نمادهای رفتاری جاهلیت منع نموده‌اند: گونه شناسی: این احادیث را می‌توان از گونه روایات تفسیری منطبق بر قاعده جری و تطبیق دانست که به واسطه تطبیق جاهلیت بر مصادیق خارجی آن‌ها درصدد تفسیر آیات قرآن کریم در مورد جاهلیت می‌باشند:

«عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؟؟ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ؟؟ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيْبَةِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۰۸؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۷۰۴ و بخاری، ۱۴۰۱، ج: ۱۳؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۰۱، ج: ۵: ۹۳؛ طبری، ۱۳۵۶، ذیل احزاب: ۳۳).

پیامبر؟؟ فرمودند: هرکس در قلب خود دانه خردلی از تعصب داشته باشد، خدا روز قیامت او را با اعراب جاهلی محشور خواهد نمود. در این روایت به یکی از بدترین خلق جاهلی توسط ایشان اشاره شده که همان تعصبات جاهلانه و تقلید کورکورانه است که در قرآن نیز بسیار مذموم و نکوهش شده است.

«عَنِ الرَّهْرِيِّ قَالَ: سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ؟؟ عَنِ الْعَصِيْبَةِ فَقَالَ الْعَصِيْبَةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شَرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمٍ آخَرِينَ وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصِيْبَةِ أَنْ يُجِبُّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَ لَكِنْ مِنَ الْعَصِيْبَةِ أَنْ يُعَيِّنَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ» (کلینی، بی‌تا، ج ۲: ۳۰۸-۳۰۹)

از امام علی بن الحسین؟؟ درباره تعصب سوال شد. ایشان فرمودند: تعصب عبارت است از این که فردی بدترین مرد از امت خود را از بهترین مرد امت دیگر بهتر بداند. سپس فرمودند: تعصب به این معنا نیست که مردی قوم خود را دوست نداشته باشد، بلکه عبارت است از این که قوم خود را در ظلم ایشان اعانت و کمک نماید.

«عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؟؟ قَالَ: مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا انْحَبَسَتْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ إِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً فَإِنَّ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج: ۶: ۴۰۴-۴۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج: ۹: ۱۰۶-۱۰۷؛ هیثمی، ۱۴۰۸، ج: ۵: ۷۲).

از امام صادق؟؟ روایت شده که فرمودند: هرکس مسکری بخورد، تا چهل روز نمازش



حبس شده و بالا نمی‌رود و اگر در این چهل روز بمیرد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. در این روایات چنانچه مشاهده می‌گردد، به بیان مصادیق و مثال‌های مربوط به جاهلیت پرداخته شده و این مطلب در قالب مثال تبیین شده است.

روایات دسته چهارم

احادیثی که جاهلیت را با عدم معرفت نسبت به امام در یک سنجهی ترازو نهاده‌اند: گونه‌شناسی: این گونه از روایات را می‌توان از مصادیق بطون دانست. طبق این قاعده، قرآن دارای بطن‌های متعدد است و تفسیر این بطون بر عهده اهل البیت؟؟ می‌باشد:

«عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: ابْتَدَأْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ؟؟ يَوْمًا وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟؟: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ. فَقُلْتُ: قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ؟؟ فَقَالَ إِي! وَاللَّهِ قَدْ قَالَ. قُلْتُ: فَكُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ» (کلینی، ۱۴۱۱، ج: ۲: ۲۶۴).

امام صادق؟؟ از قول پیامبر؟؟ بیان فرمودند: هرکس بمیرد و امام نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

«عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟؟ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ؟؟: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ. قَالَ: قُلْتُ مِيتَةٌ كُفْرٍ؟ قَالَ: مِيتَةٌ ضَلَالٍ. قُلْتُ: فَمَنْ مَاتَ الْيَوْمَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ» (برقی، ۱۳۷۱، ج: ۱۵۴؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج: ۱: ۶۳؛ کلینی، ۱۴۱۱، ج: ۱: ۳۷۶).

مشترکات رفتاری اعراب جاهلی و دشمنان پیامبران در زمان‌های مختلف

در بررسی مشترکات رفتاری بین امت‌های بدکردار در زمان پیامبران سابق و پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی؟؟، به چند رفتار مشترک دست پیدا می‌کنیم، که این رفتارها از خلال مباحث قرآنی و روایات اهل البیت؟؟ به دست می‌آید:

تعصب

از نظر علم لغت، درباره‌ی این واژه چنین بیان شده است: الْعَصِيَّةُ وَ التَّعَصُّبُ: الْمُحَامَاةُ وَ الْمُدَافَعَةُ. وَ تَعَصَّبْنَا لَهُ وَ مَعَهُ: نَصَرْنَاهُ. وَ عَصَبَةُ الرَّجُلِ: قَوْمُهُ الَّذِينَ يَتَّعَصِبُونَ لَهُ، كَأَنَّهُ عَلَى حَذْفِ الزَّائِدِ. وَ عَصَبُ الْقَوْمِ: خِيَارُهُمْ. وَ عَصَبُوا بِهِ: اجْتَمَعُوا حَوْلَهُ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج: ۱: ۶۰۶).

تعصب به معنای حمایت و دفاع کردن از قوم یک فرد است. به معنای اجتماع پیدا کردن نیز به کار رفته است. یکی از بارزترین خصوصیات رفتاری در بین بدان امتهای پیامبران، داشتن تعصبات و تقلید کورکورانه از پدران و اسلاف و پیشینیان آنها است. به گونه‌ای که وقتی نور هدایت برای آنها رخ‌نمایی می‌کند، خود را پایبند تقلیدها و رفتارهای غلط اسلاف خود قرار داده و از هدایت و یافتن راه صلاح و رشد سر باز می‌زنند. قرآن کریم در چندین مورد به این مطلب اشاره فرموده است: «وَ أَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً» [القصص / ۴۲] «فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ» [الأعراف / ۱۷۵] «فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا» [المؤمنون / ۴۴] «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» [بقره/۱۷۰]؛ وقتی به آنها گفته می‌شود که از آنچه خدا برای شما نازل فرموده تبعیت کنید، می‌گویند: ما از آنچه پدرانمان انجام می‌داده‌اند تبعیت می‌کنیم. آیا اگر پدران شما نخواستند باشند هدایت شده و تعقل کنند شما نیز نمی‌خواهید که اهل هدایت باشید؟

مولوی در تفسیر این رفتار چنین سروده است: (بلخی، ۱۳۹۷، دفتر اول)

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

تعصبات جاهلی در بین اشعار مربوط به این دوره نیز به اوج خود می‌رسد. به عنوان مثال به این ابیات عمرو بن کلثوم از شعرای معلقات سبع اشاره می‌شود که به خوبی می‌توان معنای جاهلیت و تعصبات جاهلانه را از آن دریافت: (الاستانی، ۱۹۶۰: ۶۵)

تَضَعُضْنَا وَآنَا قَدْ وَبَّيْنَا
أَلَا لَا يَعْلَمُ الْأَقْوَامُ أَنَا
فَنَجْهَلُ فَوْقَ جَهْلِ الْجَاهِلِينَ
أَلَا لَا يَجْهَلَنَّ أَحَدٌ عَلَيْنَا

استکبار و تکبرورزی

دومین رفتار مشترک بین ایشان استکبار و تکبرورزی است:

راغب درباره این واژه چنین گفته است: کِبْر و تَكْبُر و اسْتِكْبَار- در معنی به هم نزدیکند، پس کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص می‌شود و همان است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگ‌تر می‌بیند، بزرگ‌ترین و



سنگین‌ترین تکبرها، تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۹۲). در قرآن کریم در رابطه با امت‌های پیامبران در چندین مورد به این واژه اشاره شده است: «أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ» [البقرة: ۸۷] «وَأَصْرُوا وَاَسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» [نوح: ۷]، «اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ» [فاطر: ۴۳] «فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ» [فصلت: ۱۵]، «تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» [الأحقاف: ۲۰] «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ» [الأعراف: ۴۰]، «قَالُوا مَا أَعْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ» (الأعراف: ۴۸). این ویژگی در بین اعراب جاهلی نیز وجود دارد که برای تصدیق این مطلب به شواهد تاریخی متعددی در این زمینه می‌توان اشاره نمود. از جمله در اشعار جاهلی که مملو از مفاخره‌ها و تکبرهای آشکار است. به عنوان مثال می‌توان به این اشعار لبید بن ربیع که از شعرای معلقات سبع است اشاره نمود:

مَنَا لِرِازٍ عَظِيمَةٍ جَشَامُهَا	إِنَّا إِذَا التَقَتِ الْمَجَامِعُ لَمْ يَزَلْ
وَمُعْذِمٍ لِحُقُوقِهَا هَضَامُهَا	وَمُقَسَّمٍ يُغْطِي الْعَشِيرَةَ حَقَّهَا
سَمِجٌ كَسُوبِ رِغَائِبٍ غَنَامُهَا	فَضْلًا، وَذُو كَرِيمٍ يَعِينُ عَلَى النَّدَى
وَلِكُلِّ قَوْمٍ سُنَّةٌ وَإِمَامُهَا	مِنْ مَعْشَرٍ سَنَّتْ لَهُمْ آبَاؤُهُمْ

یعنی وقتی مردم یا قبایل برای انجام کاری مهم یا جنگ جمع می‌شوند، کسی که مورد اعتماد است و از عهده کار مهم بر می‌آید و آن را انجام می‌دهد، همیشه از ما است. و همچنین از ما است تقسیم کننده‌ی غنایم که حق قبيله را می‌دهد و برای حقوق قبيله خیلی خشمگین می‌شود. و از حق خودش کم می‌کند و به قبيله می‌دهد. من از قوم و قبيله‌ای هستم که نیاکانشان برای آنان این راه را تعیین کرده‌اند (مدرسی، کمال الدین، شرح معلقات دهگانه، ارومیه، نشر حسینی، چاپ اول، ۱۳۷۸). از این دست ابیات مشحون و مملو از مفاخرات متکبرانه، در بین اشعار عرب جاهلی بسیار به چشم می‌خورد.

پرستش اجسام:

یکی از خصوصیات مشترک در بین امت‌های سابق و شاید بتوان گفت از علل بعثت انبیا و رسولان الهی، تعبد و پرستش غلط بشر است. بشر فطرتاً خدا جو و خدا پرست

است. وقتی از این مسیر منحرف گردد، خالق از باب صفت هادی خود، به واسطه‌ی پیامبران، او را هدایت کرده، در مسیر صحیح خودش واقع می‌کند. قرآن کریم به داستان مبارزات ابراهیم خلیل الرحمن با پرستش‌های باطل و بت‌پرستی در چندین مورد اشاره کرده است. همچنین مقابله‌ی انبیای دیگر الهی، با اباطیل و خدایان ناحقی که امت آنان مورد پرستش قرار می‌دادند در موارد متعددی از آیات قرآن آمده است. شاید بتوان تمام موارد پرستش غلط را تحت عنوان کلی طاغوت جمع نمود. که به این واژه نیز در چندین آیه از آیات قرآن اشاره شده است. بنابر این سه صفت تعصب، استکبار و پرستش‌های باطل، در بین امت‌های پیامبران قبل از بعثت ایشان به صورت مشترک دیده می‌شود که در این روایات و آیات نیز مورد بحث واقع شده و بیان گردیده‌اند.



نتیجه‌گیری

- ۱- جاهلیت عبارت است از دوره و عصری که دارای خصوصیات است.
- ۲- از خصوصیات و ویژگی‌های بارز بشر در عصر جاهلیت می‌توان به تعصب، روحیه‌ی استکباری و تعبدی‌های باطل اشاره نمود. این خصوصیات، نمود و بروز در عصر جاهلیت قبل از بعثت اسلام دارد. ولی در بین اقوام دیگر نیز دقیقاً شاهد بروز همین خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری هستیم.
- ۳- سه صفت تعصب، استکبار و پرستش‌های باطل در بین امت‌های پیامبران، قبل از بعثت ایشان به صورت مشترک دیده می‌شود.
- ۴- ریشه‌ی تشریح اولین شریعت‌ها و ایجاد ادیان الهی توسط خالق و خدای عالم، بروز این خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری از جانب بشر است. برای همین زمانی که اولین بت پرستی‌ها، تعصبات و استکبارورزی‌ها از طرف بشر سر می‌زند، خدای عالم، لشکر خوبان عالم را به رهبری انبیا و رسولان الهی در این عالم بسیج نموده و شریعت‌ها و ادیان را ایجاد می‌نماید.
- ۵- این تعبیر سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و همچنین چندین روایت نیز در باب جاهلیت وجود دارد که در این مقاله به گونه‌شناسی روایات تفسیری و آیات مربوط به جاهلیت پرداخته شده است.
- ۶- با توجه به آیاتی که در قرآن کریم درباره‌ی جاهلیت وجود دارد، به این مطلب پی برده می‌شود که سه صفت تعصب، فرهنگ(تبرج) و پرستش‌های ناروا، از ویژگی‌های جاهلیت شمرده می‌شود.
- ۷- روایات تفسیری در مورد آیات جاهلیت یا از گونه‌ی تفسیر واژگانی یا بطون یا قاعده‌ی جری و تطبیق و یا از گونه‌ی بیان قواعد ادبی می‌باشند.
- ۸- با توجه به مطالب بیان شده، جاهلیت محدود به زمانه و جغرافیای خاصی نمی‌باشد. در هر جغرافیای فکری و حکومتی که این ویژگی‌ها و شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی وجود داشته باشد، فرهنگ جاهلیت تحقق پیدا می‌کند.
- ۹- با توجه به روایات، یکی از مهم‌ترین اثرات منفی فرهنگ و تفکر جاهلیت، کنار گذاشتن ولایت و به فراموشی سپردن آن است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، (۱۴۱۷)، *الامالی*، بیروت: اعلی.
- _____ (بی‌تا)، *عیون الاخبار الرضا*، تهران: نشر جهان.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، *مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب*، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۶۷)، *فتوح الأبواب تبیین ذوی الکباب و تبیین رب الأرباب فی الإستخارات*، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ابن عبد ربیه، احمد بن محمد، (۱۴۰۷)، *العقد الفرید*، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
- ایازی، محمد علی، (۱۴۱۴)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، چاپ اول، تهران: وزارتہ الثقافہ و الارشاد اسلامی، موسسه الطباعة و النشر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰)، *صحیح البخاری*، چاپ دوم، قاهره، مصر: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الأعلى للشئون الاسلامیة، لجنة احیاء کتب السنه.
- البرقی، محمد بن خالد، (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیة.
- البستانی، فواد افرام، (۱۹۶۰)، *المجانی الحدیثه*، بیروت: المطبعه کاثولیکیه.
- البغدادی، عبدالقادر، (۱۴۱۸)، *خزانة الأدب و لب لباب لسان العرب*، قاهره: مکتبه الخانجی.
- بلخی، جلال الدین محمد، (۱۳۹۷)، *مثنوی معنوی*، چاپ دوم، تهران: پارمیس.
- بیاضی، علی بن یونس، (۱۳۸۴)، *الصرط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، چاپ اول، نجف: المکتبه الحیدریه.
- توشیهیکو ایروتسو، (۱۳۶۰)، *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن*، ترجمه و فریدون بدره ای، چاپ اول، تهران: قلم.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۷)، *سیره‌ی رسول خدا*، چاپ اول، قم: دلیل ما.
- خوش منش، ابوالفضل، (۱۳۹۴)، جاهلیت مکه تا مدنیت مدینه، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال چهل و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ شماره ۲
- دیباری بیگدلی، محمد تقی (۱۳۹۷)، راهبردهای حل بحران‌های فرهنگی اجتماعی جاهلیت از منظر قرآن و حدیث، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱
- ذهبی، محمد حسین، (۱۳۹۶)، *التفسیر والمفسرون*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، *مفردات الفاظ القرآن*، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
- روزنی، (۱۴۰۵)، *شرح معلقات السبع*، قم: منشورات ارومیه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه*، چاپ اول، قم: هجرت.
- طبری، محمد بن جریر بن بیزید، (۱۳۵۶)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه حبیب یغمایی، تهران: بی‌جا.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، *تهذیب*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- طیفور، ابوالفضل احمد بن ابی طاهر (۱۳۷۸)، *بلاغات النساء*، قم: الشریف الرضی.
- فراهیدی، ابی عبدالرحمن خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، *العین*، قم: موسسه دارالهجره.
- فروخ، عمر، (۱۹۸۴)، *تاریخ الادب العربی*، بیروت: دارالعلم الملایین.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۱)، *اصول الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تفسیر جامع روایی*، تهران: دارالحدیث.
- مدرسی، کمال الدین، (۱۳۷۸)، *شرح معلقات دهگانه*، ارومیه: نشر حسینی.
- مسلم بن حجاج النیشابوری، ابی الحسین، (۱۴۱۲)، *الجامع الصحیح*، قاهره: دارالحدیث.
- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵)، *اسرار آل محمد*؟، تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی و محمودرضا افتخارزاده، قم: الیهدی.
- هبثی، أبو الحسن نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، (۱۴۱۴)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، قاهره: مکتبه القدسی.